

کتابخانه‌های عمومی مردم‌سالارترین سازمان‌ها

سازمان و سازماندهی یکی از نیازهای زندگی اجتماعی است. بشر برای اداره‌ی خود ناگزیر است که به سازمان بیندیشد و بهترین‌ها را برای اداره‌ی امور خود انتخاب کند. به گفته‌ی علی‌علیه‌السلام¹: مردم از داشتن مدیر چه نیکوکار و یا فاجر ناگزیرند. کار جمعی و منافع جمعی می‌طلبد که مردم به تشکیل سازمان مبادرت کنند و از سازمان‌ها که به‌طور مستقیم و یا غیرمستقیم مبعوث خود آنهاست انتظار داشته باشند که به وظایف مصوب خود عمل کنند و سازمان‌ها نیز بر طبق وظیفه‌ی خود باید به خواست‌های مادی و معنوی مردم توجه کنند؛ زیرا که واقعیت وجودی آنها چیزی جز رفع نیاز مردم نیست. سازمان اگر از متن جامعه بجوشد و مربوط به زمانی خاص نباشد و در واقع نهادینه باشد، نام نهاد به خود می‌گیرد.

اگر در جامعه‌ای حکومت استقرار پیدا کرد، خود حکومت یکی از بارزترین مصادیق سازمان است. سازمان‌ها در بسیاری از موارد به شکل بخش خصوصی و یا تعاونی به انجام امور می‌پردازند. از سازمان‌های تولیدی که بگذریم که در واقع در پشت صحنه به فعالیت مشغولند و از طریق سازمان‌های خدماتی محصولات خود را عرضه می‌کنند، می‌توان سازمان‌های خدماتی را از جنبه‌های مختلفی بررسی کرد. به لحاظ تامین نیازمندی‌های انسان می‌توان گفت:

سازمان‌هایی هستند که صرفاً به امور مادی توجه دارند و نیازهای مادی مردم را از قبیل آب و نان و سایر ملزومات زندگی فراهم می‌کنند. سازمان‌های دیگر به نیازهای معنوی و فکری مردم توجه دارند و هدف آنان ارتقای سطح فکری، آموزشی، فرهنگی و علمی جامعه است. این سازمان‌ها خود به دو دسته تقسیم می‌شوند. یکی آنهایی که در ازای خدماتی که ارائه می‌کنند گاه وجهی دریافت می‌کنند و گاه نمی‌کنند ولی وظایف آنها به گونه‌ای است که مردم آزادانه نمی‌توانند در کار آنها دخالت کنند. دیگری سازمان‌هایی هستند که درعین حال که به ارائه‌ی

1. لا بد للناس من امیر بر او فاجر (نهج‌البلاغه فیض الاسلام، خ 40)

خدمات فرهنگی و علمی می‌پردازند، آن‌چنان با مردم عجین‌اند که هر کسی خود را در سازماندهی آن سهیم می‌داند و حاضر است بودجه‌ای هم برای آن صرف نماید. به لحاظ انتظار و توقعی که مردم از سازمان‌ها دارند نیز تقسیماتی را می‌توان لحاظ کرد. از بعضی سازمان‌ها مردم طلب کارند و برخی دیگر با آنکه خود را طلب کار می‌دانند اما در مطالبه حق خود ملاحظاتی دارند.

نمونه‌ی اول سازمان‌های خدمات عمومی هستند که به لحاظ مسئولیت‌هایی که در قبال مردم دارند و با بودجه و اعتبار خاصی که می‌گیرند باید به نحو احسن خدمات خود را توزیع کنند. اغلب مردم طرف مقابل آنها هستند و به عنوان طلبکار و مطالبه‌گر حق دارند که بر کار آنها نظارت کنند و مسئولان امر باید هم جواب‌گو باشند و هم رضایت مردم را در حد مطلوب فراهم کنند، زیرا که بدون رفع این گونه نیازها مردم قادر نخواهند بود به سایر مسائل زندگی خود بپردازند.

سازمان‌های از نوع دوم، سازمان‌های آموزشی، اعم از آموزشگاهی و دانشگاهی را شامل می‌شود که در نگاه اول عملاً همه مردم مخاطب آنها نیستند بلکه کسانی هستند که حوائج مادی آنها برطرف شده و به نیازهای معنوی می‌اندیشند. اما کتابخانه‌ها و به ویژه کتابخانه‌های عمومی از جنس دیگری هستند. هم فعالیت آموزشی دارند و هم سرگرمی و هم مردم خود را قبال آنها مسئول می‌دانند؛ زیرا از جنس مردم‌اند و نیازهای فرهنگی و معنوی مردم را برآورده می‌سازند. از جهت دیگر هم می‌توان سازمان کتابخانه‌های عمومی را با دیگر سازمان‌ها مقایسه کرد و آن نوع مشارکت مردم در فعالیت‌های سازمان است. از این حیث سازمان‌ها بر چند دسته‌اند:

دسته‌ی اول مردم فقط دریافت‌کننده‌ی خدمات هستند و از متولیان متوقع‌اند که نیازشان را در اسرع وقت برطرف کنند. اما مردم بدلیل اهمیت کاری، مسائل امنیتی، سیاسی و یا نظامی نمی‌توانند و نباید در امور دخالت کنند و از اینکه بتوانند در کارها مداخله کنند ممنوعیت دارند، ولی می‌توانند از نتیجه‌ی آن جويا شوند. دسته‌ی دوم سازمان‌هایی است که چنین مانعیتی برای آنها وجود ندارد و مردم می‌توانند در امور مشارکت داشته باشند، اما طبعاً باید ضوابطی را بپذیرند (به‌طور مثال نام نویسی کنند و منتظر انتخاب و یا انتصاب باشند). تحت شرایط خاصی امکان چنین مشارکت‌هایی وجود دارد. مثل فعالیت‌های جهاد سازندگی در آغاز انقلاب اسلامی

ایران و یا فعالیت‌های مردم در شوراهای مختلف تحت عنوان شهردار، شورایار، عضو شورای شهر و امثال آن. دسته‌ی سوم سازمان‌هایی است که مردم بسیار سهل‌تر می‌توانند در فعالیت‌های آن سازمان مشارکت داشته باشند و بهترین نمونه از این سازمان‌ها کتابخانه‌های عمومی است که هر کس از هر طبقه و سطحی می‌تواند در آن شرکت کند. نه تنها مشارکت، بلکه می‌تواند حتی پیشنهاد بدهد و در صورت تصویب بر مبنای پیشنهادهای خود عمل کند و یا آن را به اجرا درآورد.

ملاحظه می‌شود که کتابخانه‌ها و به‌ویژه کتابخانه‌های عمومی نهادی است برخاسته از مردم که بدون داشتن هیچ‌گونه توقع و پاداش مادی و بدون در نظر گرفتن هرگونه انتظاری در جهت کمک و ارشاد و راهنمایی مردم توسط خود مردم اداره می‌شود. وقتی فردی به کتابخانه وارد می‌شود چنانچه ضوابط و مقررات را بداند از هیچ‌کس نیاز به اجازه ندارد و برای هیچ کاری لازم نیست اجازه بگیرد.

البته کتابخانه‌های عمومی هم بر حسب خواست و نیاز مردم می‌توانند فعالیت‌های خود را گسترش دهند و یا بر عمق آن بیفزایند و در این جا است که باز نقش خود مردم بیشتر ظاهر می‌شود. اگر چنانچه مردم نخواهند، ممکن است کتابخانه‌ها هم فعالیت چندانی نداشته باشند. اگرچه این امر از آنان پذیرفته نیست ولی بازتاب چنین عدم تمایل چنین است. چنانچه مردم سطح فرهنگ بالاتری داشته باشند می‌توانند خود در تنظیم و تمشیت امور علمی، آموزشی، اجتماعی و فرهنگی و حتی سیاسی مشارکت داشته باشند و بتوانند از آنها به‌عنوان مرکزی برای تنویر افکار عمومی بر وفق مقررات استفاده نمایند. حتی در اداره‌ی کتابخانه‌ها و مراکز اطلاع‌رسانی نقش پررنگ و فعالی داشته باشند و این نخواهد شد مگر در سایه‌ی تعامل کتابخانه‌ها، مردم و همه‌ی نهادهای دلسوز توسعه و تنویر فکری جامعه.

برای مثال به جملات زیر بنگرید که از متخصصان کتابداری و علاقمندان به کتابخانه‌های عمومی در سطح جهان است و چقدر شباهت به آنچه در بالا گفته شد دارد. جس شرا¹ (مک

1. Jesse Shera

2. Ronald B. McCabe

3. رونالد بی. مک‌کیب، کتابداری مدنی. ترجمه‌ی حسن اشرفی ریزی و حسین مختاری معمار و به کوشش زهرا کاظم‌پور (تهران: چاپار، 1388).

کیب²، 1388، ص 13³ می گوید:

اگر نسل‌های آینده بتوانند چیزی را از بررسی تاریخ کتابخانه‌ها یاد بگیرند، آن چیز عبارت از این است که اهداف کتابخانه‌های عمومی به‌طور مستقیم به اهداف جامعه خود وابسته است. زمینه‌ی فکری واقعی مراجعه به کتابخانه را باید در فرهنگ هم عصر او جست‌وجو کرد. هیچ کتابداری نمی‌تواند به‌وضوح پایان کاری را که به دنبالش است ببیند به‌ویژه وقتی که کشورش درباره‌ی سمت و سویی که در حرکت است سردرگم باشد. هر زمان که مردم دارای اهداف مشخصی هستند و برای رسیدن به آن تلاش می‌کنند، عملکرد کتابخانه‌ی عمومی را می‌توان به‌صورت دقیق تعریف کرد.

رئیس منتخب انجمن کتابداران امریکا (مک کیب، 1388، ص 10-9) در ضمن گزارشی می‌گوید:

مردم در اشتیاق مکانی بودند که به‌عنوان یک جامعه‌ی کوچک دور هم جمع شوند. به‌عنوان یک کتابدار، برای من بدیهی بود که کتابخانه در شهر، شهرک، روستا، مدرسه، دانشگاه یا در یک مکان تجاری قلب اجتماعی و روشنفکری هر جامعه است که با آن خدمت می‌کند. شعار "کتابخانه جامعه را می‌سازد" را برای موضوع سال ریاست خود انتخاب کردم. می‌خواستم به جامعه‌ی کتابداری بگویم "شما همیشه در ساختن جامعه دخیل بوده‌اید. قدم جلو بگذارید، کار بیش‌تری انجام دهید؛ دستی پیش بیاورید؛ اتحادیه تشکیل دهید؛ نشان دهید که کتابخانه مکان امنی برای افرادی است که گرد هم می‌آیند همان‌گونه که همیشه مکان امنی برای افکار و اندیشه‌ها بوده، حتی افکار و اندیشه‌های متضاد". به‌همین ترتیب می‌خواستم به عامه‌ی مردم بگویم به کتابخانه‌تان نگاه کنید که در مرکز جامعه است، جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنید، کار می‌کنید، به مدرسه می‌روید. منتظر باشید که کتابخانه و کتابدار در دسترس هر فردی از جامعه قرار گیرد.

با این بیان به‌نظر می‌رسد اگر ادعا شود که کتابخانه‌های عمومی، عمومی‌ترین و مردمی‌ترین سازمان‌های هر کشوری است، سخن گزاف نیست و شاید به همین دلیل است که سازمان قبلی کتابخانه‌های عمومی به نهاد کتابخانه‌های عمومی تغییر نام داده است. این از آن جهت است که کتابخانه‌ها خانه‌ی دوم مردم است و مردم باید حوائج خود را در آن‌جا

جست‌وجو کنند. اگر چنین فرهنگی فراگیر شود آن‌وقت هم‌چنان‌که مسئول هر خانواده‌ای در درجه‌ی اول به‌فکر تأمین نیازمندی‌های اهل خانه است، مسئولان کتابخانه‌های عمومی هم به‌فکر تأمین نیازمندی‌های اهل محل و منطقه‌ای که در آن قرار دارند خواهند بود. این نیازمندی‌ها شامل همه‌ی موارد مادی و به‌ویژه معنوی است. مادی از این جهت که مثلاً اگر کسانی به‌دنبال کار هستند و یا راهنمایی در مشاغل می‌خواهند باید کتابخانه را انتخاب کنند هم‌چنان‌که اگر کسی برای نگارش مقاله‌ی پژوهشی به منابع نیاز دارد و دسترسی به کتابخانه‌های تخصصی و دانشگاهی ندارد می‌تواند کارش را تا حدودی پیش ببرد.

اگر مسئولان و کارگزاران کتابخانه‌های عمومی با این بیان موافق باشند که هستند، باید با طرح قبلی وارد این مسئولیت خطیر شوند و برای هر روز و هفته و ماه و سال خود برنامه داشته باشند و برای اجرای آن راهکار بیندیشند و همدلان حوزه‌ی کاری خود را شناسایی نمایند و برای برنامه‌ها زمان اجرا تعیین کنند و از نتیجه‌ی آن دیگران را مطلع سازند و خوراک فکری لازم را تهیه کنند. آنان باید شرایط لازم را برای مردمی‌تر کردن این نهاد عظیم‌القدر فراهم آورند و از مشاوره و رایزنی با همه‌ی صاحب‌دلان و صاحب‌نظران بهره‌گیرند و در ارتقای سطح همکاری در همه‌ی ابعاد مادی و معنوی بکوشند و راهکارهای این مشارکت‌ها را فراهم کنند و از همه‌ی امکانات تبلیغی و تشویقی بهره‌گیرند و کتابخانه‌ها را خانه‌ی کتاب‌خوانان، کتاب‌نویسان، کتاب‌دوستان، کتاب‌فهمان، کتاب‌جویان و حتی کتاب‌بازان کنند. باشد که مردم و به‌ویژه متخصصان و دلسوزان تربیتی و آموزشی از این فرصت استفاده کنند. بدیهی است منظور از کتاب در این‌جا عمومیت کتاب است و به همه‌ی رسانه‌های انتقال‌دهنده‌ی علم و فرهنگ و هنر اطلاق می‌شود.